

الْأَيْدِ وَالْفِي الصِّفَاتِ أَنْ تَحْكُمَ وَالْعِلْمِ أَنْ  
 يُحِيطَ بِكَ وَالْوَهْمِ أَنْ يَقَعَ عَلَيْكَ فَإِنَّكَ أَقَمْتَهُمْ  
 مَجَاجِلَ عَلَى خَلْقِكَ وَدَلَّالٍ عَلَى تَوْحِيدِكَ وَهَدَاةً  
 تَنْبِيهَ عَلَى أَمْرِكَ وَتَهْدِي بِي إِلَى دِينِكَ وَتَوْحِيدِ  
 مَا أَشْكَلَ عَلَى عِبَادِكَ وَبَابًا لِلْمُعْجَزَاتِ الَّتِي  
 تَعْجَزُ عَنْهَا غَيْرُكَ وَبِهَاتِي بَيْنَ جُحُوكَ وَتَدْعُو إِلَى  
 تَعْظِيمِ السُّفِيِّ بَيْنِكَ وَبَيْنَ خَلْقِكَ وَأَنْتَ الْمُتَّقِلُ  
 عَلَيْهِمْ حَيْثُ قَرَّبْتَهُمْ مِنْ مَلَكُوتِكَ وَأَخْصَصْتَهُمْ  
 بِبِرِّكَ وَأَصْطَفَيْتَهُمْ لَوْحِيكَ وَأَوْرَثْتَهُمْ غَوَامِضَ  
 تَأْوِيلِكَ رَحْمَةً لَخَلْقِكَ وَلَطْفًا بِعِبَادِكَ وَحَنَانًا عَلَى  
 بَرِّيَّتِكَ وَعِلْمًا يَمَا تَنْظُرُ عَلَيْهِ وَضَائِرُ أَمْنَائِكَ وَ  
 مَا يَكُونُ مِنْ شَأْنٍ صِفْوَتِكَ وَطَهَّرْتَهُمْ فِي مَنَاسِكِهِمْ  
 وَمُبْتَلَى هَيْمَ وَحَرَسْتَهُمْ مِنْ كَفْرِ نَافِثٍ إِلَيْهِمْ  
 وَأَسْرَيْتَهُمْ بِرُحْمَانًا عَلَى مَنْ عَرَضَ لِيُؤْذِيَ لَهُمْ فَاسْتَبَدَّ  
 لِأَمْرِكَ وَشَغَلُوا أَنْفُسَهُمْ بِطَاعَتِكَ وَمَلَكُوا أَجْزَاءَهُمْ  
 مِنْ ذِكْرِكَ وَعَمَرُوا قُلُوبَهُمْ بِتَعْظِيمِ أَمْرِكَ وَجَزَوْا  
 أَوْقَاتَهُمْ فِيهَا بِرُضِيكَ وَأَخْلَوْا دَخَائِلَهُمْ مِنْ

معارضٍ لخصراتٍ شاغلةٍ عنك فجعلت قلوبهم  
 مكامنٍ لإرادتك وعقولهم متاصبتٍ لأمرِكَ  
 وهيكٍ والسنة لهم تراجمه لئتيك ثم الكرم لهم  
 بنورك حتى فصلتكم من بين أهل زمانهم  
 والأقربين إليهم فخصتهم بوحيك وأنزلت  
 إليهم كتابك وأمرتنا بالتمسك بهم والرجوع  
 إليهم لا شينا لهم منهم اللهم فإنا قد تمسكنا  
 بكتابك وبعيتنا بنبيك وصلواتك  
 عليهم الذين أقمتم لنا ديناً وعلماً وأمرتنا  
 باتباعهم اللهم فإنا قد تمسكنا بهم فأمرنا  
 شفاعتهم حين يقول الخائبون فما لنا من  
 شافعين ولا صدقٍ حميمٍ واجعلنا من الصادقين  
 المصدقين لهم المنتظرين لإياتهم الناظرين  
 إلى شفاعتهم ولا تصلنا بعد إذ هديتنا  
 وهب لنا من لدنك رحمةً إنك أنت الوهاب  
 آمين رب العالمين اللهم صل على محمد  
 وعل آخيه وصيوه أمير المؤمنين

فَمَنْ عَارَفَ فَإِنَّ وَعَلَى الْمُهْتَدِينَ وَهَارِي  
 الْخَمْسَةِ الْمَيَامِينَ الَّذِينَ تُخَدِّبُهُمُ الرُّوحُ  
 الْأَمِينُ وَيَأْهُلُ اللَّهُ بِهِمُ الْمُبَاهِلِينَ فَقَالَ  
 وَهُوَ أَصْدَقُ الصَّادِقِينَ فَمَنْ حَاطَكَ فِيهِ  
 مِنْ بَعْدِ مَا حَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ  
 أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاكُمْ وَبَنَاتَنَا وَبَنَاتِكُمْ وَأَنْفُسَنَا  
 وَأَنْفُسَكُمْ نَبْتَهَلُ فَجَعَلَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى  
 الْكَافِرِينَ ذَلِكَ الْإِمَامُ الْمَخْصُوصُ بِمَوَاطِنِهِ  
 يَوْمَ الْأَخْيَارِ وَالْمَوْثِقُ بِالْقُوَّةِ بَعْدَ خُرُوجِ الطُّومِ  
 وَمَنْ شَكَرَ اللَّهَ سَعْيَهُ فِي هَذَا آيٍ وَمَنْ شَكَرَ  
 يُفْضِلُهُ مَعَادُوكَ وَأَقْرَبِيَّتًا فِيهِ جَاهِدُوكَ  
 مَوْلَى الْأَنَاةِ وَمَكْسِرِ الْأَصْنَاءِ وَمَنْ لَمْ  
 تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَأَيُّمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
 وَإِلَيْهِ مَا ظَلَعَتْ شَمْسُ النَّهَارِ وَأَوْرَقَتْ  
 الْأَشْجَارُ وَعَلَى الْجُودِ الْمَشْرِقَاتِ مِنْ عَدِيْقِهِ  
 وَاللَّحْمِ الْوَاضِعَاتِ مِنْ خُرَيْتِهِ وَابْنِ دَعَابِهِ  
 سَدُّ مَنْ صَحَّ أَوْ عِيَا سَتٌ وَدَيْكِرٌ إِذَا يَأْمُرُ سَتْبَرَكُمْ

روز بیست و پنجم است و مشهور آنست که درین روز سوره  
 اهل بیت در شان حضرت امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا و امام حسن  
 و حسین صلوات الله و سلامه علیه نازل شد بسبب آنکه  
 حسین علیهما السلام بیمار شدند و حضرت رسول ص بیایدت  
 ایشان تشریف فرما شدند و امر فرمودند که خباب امیرالمؤمنین  
 و سیده نساء العالمین و حسین علیهم السلام نذر کردند که اگر  
 خدا ایشان را عافیت دهد سه روز روزه بگیرند و چون عافیت  
 گرامت فرمود آن چهار بزرگوار بافضه خادمه ایشان روزه  
 گرفتند و نداشتند چیزی که بآن افطار نمایند پس حضرت  
 امیرالمؤمنین ص قدری پیش از شمعون یهودی گرفت با سه صاع  
 از جو که حضرت فاطمه ص هر روز ثلث آن پیشم را برسد و یک  
 صاع از آن جو بمنز خود برود پس در روز اول حضرت فاطمه  
 قدر ثلث آن پیشم گرفت و رشت و بمنز آن صاعی از جو برد  
 و آرد کرد و بیج کرده نان پخت و چون حضرت امیر با حضرت  
 رسول ص صلعم نماز شام کرد و بخانه برگشت حضرت فاطمه  
 بیج کرده نان را حاضر کرد و خواستند که افطار نمایند مسکینی بر در  
 خانه نذازد که السلام علیکم ای اهل بیت محمد من مسکینی ام

از مساکین مسلمانان مرا طعام و سپید تا خدا شمارا از ما مکره پاسکے  
 بہشت طعام دید پس حضرت امیر المؤمنین ع ابتدا کرد و فرمود  
 کہ من نان خود را میدهم و سایر اہلبیت علیہم السلام باقیہ با حضرت  
 موافقت کردند و نان ہائے خود را بسائل دادند و آب افطار  
 کردند و روز دیگر از روزہ داشتند و باز حضرت فاطمہ ۳ بجز در شستن  
 یک نلث دیگر از پشم یک صاع دیگر برداشت و آرد کرد  
 و نان نخت و چون خواستند افطار کنند سائلے بر در خانہ  
 آمدند و آرد کہ السلام علیکم اسے اہلبیت محمد بن مثنیٰ ام از  
 اولاد ہما جرین و پدرم در روز عقبہ شہید شدہ است مرا  
 طعام و سپید تا خدا شمارا از خواہنہا سے بہشت طعام دید  
 پس حضرت امیر المؤمنین اول نان خود را داد و بعد از ان فاطمہ ۳  
 و بعد از ان دو گوشوارہ عرش خدا و بعد از ان فضہ سعادتمند  
 ہمگی تا ہما سے خود را بہ پشم دادند و آب افطار نمودند و در روز  
 سیم روزہ داشتند و باز حضرت سیدۃ النساء در روز سویم لقیہ  
 پشم را رشت و لقیہ جو را گرفت و در آسیا خورد کرد و باز پنج  
 گردو نان نخت و چون حضرت امیر کبیر از نماز برگشت و  
 حضرت فاطمہ ۳ طعام را حاضر ساخت کہ افطار نمایند ناگاہ امیر

از اسیران کافران ندا کرد که السلام علیکم اسے اہلبیت محمد  
 مارا اسیر می کنید وی بندید و طعام نمی دهید کہ بخوریم پس بخوشیما  
 سابق ہمہ گزردہ نان را بسائل و اوندو باب بخت افطار نمودند  
 چون صبح شد خداوند عالمیان سورہ کریمہ الی ترا در شان ایشان  
 فرستاد و در آن سورہ اشارہ باین قصہ نمود کہ یَوْمَ نَبُوءُ بِالْمُؤْمِنِ  
 وَیَخَافُونَ یَوْمًا کَانَ شَرًّا مِّمَّا کَانَ سَطِیرًا وَیَطْعَمُونَ  
 الطَّعَامَ عَلٰی حَبِیءٍ مِّسْکِیْنًا وَیَتِمُّوْنَ اَسْیْرًا اَللّٰهُمَّ  
 قَطِّعْ مِکُمْ لَوْجَهُ اَللّٰهُ لَا تَرِیدُ مِنْکُمْ جَزَاءً  
 وَ لَا شُکْرًا اَلَا اَتَخَفُ مِنْ رَبِّیْ اَیُّوْمًا عَبَّوْ سَا  
 قَمَطْرًا یَّیَّ اَیُّوْمًا کُنْدُ بَدْرُوْمِی تَرَسْدُ اَز رُوْسِی کَ  
 شَرَّ اَنْ اَکْثَرَ خَلْقٍ رَاوْ اَکْرَفْتَا اَسْتَدْمِی خَوْرَا نَسْدُ طَعَامٍ رَا  
 بَا خَوْرَا هِش وَ مَحَبَّتِ اَنْ یَا اَز بَرَا ی مَحَضْ مَحَبَّتِ خَدَا بِ سَکِیْنِ وَ  
 یَتِیْمِ وَا سِیْرٍ وَا سِیْرٍ بَعِیْنِی وَ رَدْلِ خَوْرُوْنِی اِیْثَانِ اَیْسِی  
 کَمَا طَعَامِ نَمِی وَ هِیْمِ شَمَا رَا نَکْرَا بَرَا ی رِضَا ی خَدَا نَمِی خَوْرَا هِیْمِ  
 اَز شَمَانِی جِرَا نِی پَا دَا نَمِی رَا وَنْ شَکْرُوْ شَمَا ی رَا مَامِی تَرَسِیْمِ اَز رُوْ  
 قِیَا مِی کَمِ دَرِ نَهَا یْتِ شَدْتِ وَ مِوَلِ اَسْتَدْمِی وَ چَوْنِ دَر رُوْ  
 چَهَار مَمِ کَمِ لَبْتِ وَ بِیْجَمِ مَاهِ نَزْجَمِ بُو دِ سُوْرَهٗ هِلِ اَلِی دَر مَمِ

ایشان نازل شد حضرت رسول ص آمدوا نشان را بان  
 شدت و گر سنگی و آن حالت غریب مشاهده کردی که نسبت و  
 فرمود این چه حالت است که در شما مشاهده می نمایم و امام  
 حسین و امام حسین علیهما السلام را دیدی که از تقاضای بیماری  
 و گر سنگی مانند چوچه که از تخم بیرون آید می لرزند و حضرت  
 فاطمه در محراب عبادت ایستاده بود اگر سنگی شکم مبارکش به  
 پشت چسبیده بود و چشمهایش زورفته بود چون از نماز  
 فارغ شد حق تعالی خوانی از بهشت برای فاطمه فرستاد  
 در آن کاسه بود گوشت و شیرید گرم در میان آن بود که چوب  
 و بوی بهتر از بوی مشک از آن ساحل بود پس حضرت  
 فاطمه آن خوان را بنزد رسول آورد و حضرت فرمود ای  
 فاطمه این از کجا آوردی گفت از جانب خدا آمده است  
 خدا هر که را خواهد روزی سیدهدلی حساب حضرت فرمود  
 احمد شد که از دنیا ز فتم تا در اهل بیت خود شبیه مریم مادر عیسی  
 را دیدیم پس از آن تناول فرمودند و تا سفت روز از آن  
 می خورد و آخری شد و حضرت صادق ع فرمود که آن کاسه  
 نزد ما است و حضرت صاحب الامر آنرا ظاهر خواهد کرد و طعام

شرح بر فضیلت کربلا  
 نوی الطام که کربلا  
 در آن کاسه گوشت  
 عورت ز کشت  
 بدام البانی  
 ۲۰

بهشت ازان تناول خواهد نمود و سنیان نیز این روایت  
 را با نزول مائده بطرق بسیار نقل کرده اند و تفصیل  
 این قصه را در سایر کتب ذکر کرده اند پس مناسب است  
 که شیعیان اهل بیت علیهم السلام درین ایام تاسی نمایند  
 بولای خود در تصدق کردن برسا کین و یتیمان و سعی  
 نمایند در اطعام یتیمان و تئیمه مفید علیه الرحمه گفته است  
 که مستحب است که این روز را روزه بدارند برای شکر  
 نعمت نزول سوره بل اتی در شان آل عبا و آویضا  
 مناسب است غسل زیارت و زیارت المم و زیارت  
 جامع را خواندن درین روز مناسب است و چون  
 بعضی از علما این روز را روز مبارک میدانند  
 دعای مبارک را نیز درین روز خواندن خوب است  
 و روز نسبت و ششم بنا بر مشهور عمر را خنجر بر شکمش  
 زدند و باین سبب نهایت برکت دارد و در روز نسبت  
 و هفتم مروان که آخر خلفای بنی امیه است بجهنم و اصل  
 شد و دولت ملعونه بنی امیه لعنهم الله بر طرف شد پس  
 درین روز شکر این نعمت را باید کرد و بعضی گفته اند



که حضرت امام علی نقی علیه السلام درین روز متولد شده  
است و روز نسبت و نهم بنا بر شیخ نور عمر لمحوان باسفل یک  
سفر منتقل شده است و باین سبب فضیلت عظیم دارد  
و در روز آخر ذی الحجه احرام سال عرب است روایت  
کرده اند که سنت است که دو رکعت نماز بجا آورد و در هر  
رکعت یک مرتبه سوره حمد و ده مرتبه سوره قل بگویند احد  
و ده مرتبه آیه الکرسی بخوانند بعد از سلام این دعا بخوانند  
اللَّهُمَّ مَا عَمِلْتُ فِي هَذِهِ السَّنَةِ مِنْ عَمَلٍ  
نَهَيْتَنِي عَنْهُ وَلَمْ تَرْضَهُ وَلَسِيَّتَهُ وَكَوَيْتَهُ وَدَعَوْتَنِي  
إِلَى التَّوْبَةِ بَعْدَ إِخْتِرَائِي عَلَيْكَ اللَّهُمَّ فَإِنِ  
أَسْتَغْفِرُكَ مِنْهُ فَاعْفِرْ لِي وَمَا عَمِلْتُ مِنْ عَمَلٍ  
يَقْرَبُ بَنِي الْبَيْتِ فَأَقْبَلْهُ مِنِّي وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي  
مِنْكَ يَا كَرِيمُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

### در بیان ارکان و اعمال حج

پروردگار عالم در قرآن مجید و فرقان حمید ارشاد میفرماید  
وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ  
سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ

یعنی برای خدا است بر آدمیان یک مرتبه حج کردن برای  
 کسیکه طاقت و قدرت داشته باشد و کسیکه انکار کرد پس  
 بدستگیره پروردگار عالم غنی است از عالمیان بدانکه  
 حج در لغت بمعنی قصد کردن است و حج بافتح مصدر است  
 و بالکسر اسم است و بمعنی مره یعنی یک مرتبه حج کردن و  
 در عرف فقها بمعنی قصد بیت الله بافعال مخصوصه در زمان  
 خاص بقصد قربت می آید کذا فی مجمع البحرین حد و سائل  
 در حدیث صحیح از رسول خدا منقول است که یک اعرابی پیش  
 آنحضرت آمده عرض کرد که من بقصد حج از خانه بیرون آمده  
 بودم پس بقضای آنی زمان حج از من فوت شد و منم نمود  
 صاحب ثروت و مال پس حکم بفرمای برای من که چیزی بکنم  
 که اجرش مثل حج باشد پس ملتفت شدند آن حضرت  
 بطرف من و فرمود که نگاه کن طرف کوه ابو قیس باز فرمود  
 که اگر تحقیق این کوه ابو قیس برای تو طلای خالص شود  
 و در راه خدا صرف کن اجرش مثل حج گاهی خواهی  
 یافت باز فرمود آن حضرت تحقیق که حج کننده هرگاه سال  
 سفر حج کند و چیزی همراه خود بردارد و چیزی در خانه بگذارد

مینویسد حق تعالی برای او لغو صی این کار ده حسنه و محو میکند  
 از زوده سینه و بلند میکند برای او ده درجه پس هرگاه بر پشت  
 شتر سوار شود پس هرگاه سیکه آن شتر بر سیدارد مینویسد خدا  
 تعالی مثل ثواب مذکور بالا پس هرگاه طواف کرد خانه کعبه  
 از گناهای خود بیرون می آید مانند روزیکه از مادر ستولد شده  
 باشد هرگاه کسی که در میان صفا و مرویه پاک صاف میگردد و بیرون میشود از گناهای  
 هرگاه و قوت کرد در مقام عرفات و در شراکرم در می کرد عقبا را یا در قنقن از مناجح قیام کرد  
 گناهای خود پاک و صاف میشود باز فرمود آن حضرت  
 از آن اعرابی این تو ابا را گاهی بی نیایی بدون حج کردن  
 و در حدیث دیگر از جناب صادق علیه السلام منقول است که  
 بر حج کننده تا چهار ماه گناهایش را گنویسند مگر گناه کبیره و  
 مینویسد برای او سیکهها و نایز در حدیث صحیح منقول است  
 که حج و عمره فقرو پریشانی را دفع میکند و در کتاب ثاقب  
 از عبد اللہ بن مبارک منقول است که آن یک سال حج سیکه کرد  
 یک سال ترک سیکه کرد تا آنکه بنجاه سال صبر طریق بدو مت کرد پس هرگاه حج او  
 قریب بدو رسید که همراه حاجیان حج کند پس عبد اللہ مبارک میگویی که بیست  
 آدم از شهر خود و در کوفه رفتن برای خریدن شتر بود و در

من پانصد و نیا بود پس دینم که بطی بر مزایه افتاده است  
 و یک ضعیفه بر پای آن را میکنند پس پیش او رفتم و گفتم این  
 چه کاریست گفت که ای بنده خدا سوال کن چیزی را که ترا نفع  
 منید پس بر دلم قولش اثر کرد پس اصرار نمودم از او پس  
 گفت مجبور گردی ما را برای ظاهر کردن این راز بدانکه منم  
 عورت علویه و چهار تا فرزند نیم دارم و پدر ایشان حال امر  
 است و چهار روز میگذرد که چیزی نخورده ام پس این تم  
 برای من حلال است پس این بطر را درست کرده برای قوت  
 اطفال خود می برم پس در دل گفتم که وای بر نفس من که این  
 ضعیفه چینه میخورد و من اعانت نکنم پس گفتم از آن عجزه  
 که کنارت را بکش و قتیکه کنش و بنیاد را انداختم و آن  
 ضعیفه رفت و بطرف من نگاه هم نه کرد و من بمنزل خود برتم  
 و پروردگار عالم خواش جگر درین سال از قلب من  
 دور کرد پس رجوع کردم به بلد خود و قیام نمودم تا آنکه حجاج  
 معاودت کردند پس بیرون آمدم از خانه که همسایگان و  
 رفیقان خود را ملاقات کنم و قتیکه ملاقی شدم گفتم تقبل  
 الله حججک و شکر سعیت پس ایشان میگفتند که

شمار برای ما برد عامی کنید حال آنکه همراه ما بودید در وقت حج  
 نفلان و فلان مقام و اکثر مردم گواهی دادند پس نتیجه  
 شد پس رسول خدا را در خواب دیدم که میفرماید که تعجب  
 نکن ای بنده خدا چرا که یک صغیره عاقره را اعانت کردی  
 پس سوال کردم از جناب احدیت اینکه فرشته بصورت تو  
 شکل کند تا بر وزقیاست و هر سال بعوض تو حج کند پس  
 ترا اختیار است که حج کنی یا نه در هر سائلی از جناب امام  
 جعفر صادق علیه السلام است که حج بر بدست اندکی آنها اند که از او اند از آن  
 و در رخ و دیگری آنها اند که پاک باشند از گناهان مثل روزیکه از نماز تو  
 شده باشند و سببی آنها اند که بسبب حج اهل و مال نشان  
 محفوظ ماند و این ثواب بر اسب حج کننده بسیار کم است  
 و نیز در کتاب مذکور از امام جعفر صادق علیه السلام نقل است  
 که من بودم حج و محترمین همان خدا اند اگر سوال میکنند  
 از و تقاضایت میکنند آنها را و اگر ایشان دعا میکنند  
 از و سحاب میشود و اگر شفاعت میخواهند در حق کسی  
 قبول میکنند شفاعت او شان را و اگر ساکت میمانند  
 حق تعالی از آنها خود سوال میکند و عوض داده میشوند

از یک در سه هزار در هم و نیک در کتاب مذکور از عمر بن یزید  
 مروی است که گفت شنیدم از جناب جعفر صادق علیه السلام  
 که میفرمود که حاج هر گاه داخل که شود پروردگار عالم دو ملک  
 را معین میکند که حفاظت طوائف و سعی و نماز او را کنند پس  
 هر گاه در عرفه میرسد بر شانه راست او مهر میزنند و میگویند که  
 کنایان گذشته کوتابتی نماند و آینده را نگاهدار و نیک در کتاب  
 مذکور از جناب رسول خدا منقول است که فرمود حاج و معتمرین  
 هر گاه قدمی بر میدارند تا اینکه شانه خود بر بند نوشته میشود  
 صد هزار حسنه و محو کرده میشود هزار هزار گناه و بلند میشود هزار هزار  
 درجه و عنایت کرده میشود عوض هر درم هزار درم و عوض هر دینار هزار  
 دینار و عوض هر حسنه هزار حسنه و در امان خدا میماند  
 تا اینکه بمیرد و بعد مردن در حنت داخل شود پس دعایش  
 را عنایت نماید چنانچه دعایش رونمیشود و برای یک صد هزار مردم بدرقیقت  
 شفاعت میکند و هر گاه خلیفه و جانشین از اهل خود گردید  
 گذاردن حج و عمره درین صورت نواب ناک و نوب  
 یکسان است و نیک در کتاب مذکور از محمد بن علی بن حسین  
 منقول است تحقیق که حج بهتر و افضل است از نماز و روزه

چرا که صلی یک ساعت از اهل عیال خود دور می ماند و صائم از  
 صبح تا شام و تحقیق که حاج بدن خود را لاغر میکنند و نفس خود را  
 در زحمت می اندازد و مال خود را صرف میکنند و از عیال  
 خود تا عرصه دراز دور می ماند و نه درین مدت امید برگشتن  
 مال دارد و نه امید تجارت برقی رحمت محاسن آورده که  
 آن حضرت فرمود که حج و عمره دور میکنند فقر را و گناهمان  
 را چنانچه دور میکنند و نه آهنگری چرک آهن را و  
 همچنین **ثواب حج و عمره مندوب**  
 لا تقدر ولا تخصی است در کتاب مذکور از محمد بن علی بن حسین  
 منقول است که فرمود جناب صادق علیه السلام یک حج سنتی میکنند  
 پس تحقیق که آتش و وزخ بر او حرام است و کسیکه دو حج بکند  
 همیشه در خیر میماند تا اینکه بمیرد و کسیکه سه حج بی درنی بکند پس  
 آن شخص تمام عمر حاجی است و کسیکه چهار حج بکند از فشار قبر  
 محفوظ ماند و بعد مردن این کس حج را حق تعالی بصورت نیکو مثل میکند پیشتر  
 این کس را ایستاده میشود در میان قبر او نماز میکند و در او ثوابش را میستند و سید تارو  
 قیامت و یک رکعت نماز صورتی که مثل برابر است با  
 هزار رکعت نماز مردم و کسیکه پنج حج بکند از عذاب خدا

محفوظ و مامون می ماند و کسی که ده حج بکند از حساب قیامت  
 بریست و کسی که بیست حج بکند جهنم بر او حرام است و شوره  
 و تشنگی و جوش و خروش جهنم بگوش او نخواهد رسید و کسی که  
 چهل حج بکند گفته میشود از شفاعت بکن هر کسی را که دوست  
 داری و در پای جنت برایش کشوده شوند که آنها را همراه  
 خود ببرد و کسی که پنجاه حج بکند پروردگار عالم در جنت عدن  
 شهری بنا میکند که در آن هزار خانه باشند و در هر خانه هزار  
 حور و هزار نهوجه باشند و در رفقا محمد محسوب شود و کسی که  
 زائد از پنجاه حج کند چنان باشد که همراه رسول خدا ۴۰ پنجاه  
 حج کرده باشد و نیز همچنان باشد که در هر جمعه جناب احدیت  
 را زیارت کرده و هر کسی که اکتار حج کند نسبت مگر اینکه  
 بنا کند پروردگار عالم در هر جهت شهری در جنت که در آنها  
 در سیمه با باشند و در هر درجه حوریه که همراهِش سی صد حوریه  
 باشد که گاهی چینی مثل آنها ندیده باشد کلینی آورده که کافی  
 از جناب صادق عم آورده که هر که ببرد در راه مکه خواه در  
 وقت رفتن خواه در وقت برگشتن این می ماند از فزع  
 اکبر یعنی روز قیامت محمد بن بابویه در معانی الاخبار



از عبد الشدین فضل را ستمی آورده که عرض کردم در خدمت  
حضرت جعفر صادق علیه السلام مرا قرض بسیار است و من و  
عیال من دم و قدرت برگزاردن حج ندارند بیای سوز  
مرا دعا کنید بخوانم آن را فرموده که بگوید و رعیت نمازهای فریضه  
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْضِ  
عَقْدِي دَيْنِي الْكَافِيَ وَالْآخِرَةَ عَرَضِي كَرِيمِي دَيْنِي كَأَنْتَ  
كَدَامِ اسْتَفْرَسُونَ كَجِجِ اسْتَفْرَسُونَ وَبِقِي دَرْمَحَانِ اسْتَفْرَسُونَ  
اگر حضرت آورده که هر گاه بخواند هزار مرتبه ما شاء الله  
در یک مرتبه روزی میشود او را حج و در کتاب جامع الاخبار  
از آن حضرت آورده که هر که بگوید <sup>ای در یک جلسه</sup> هزار مرتبه لا حول و لا قوة الا بالله روزی او میشود حج و اگر اجل او نزدیک شده  
باشد تا خیر می اندازد و آنرا خدا تعالی تا آنکه حج کند و در بعض  
روایات خواندن ذکر مذکور هزار مرتبه برای حج در یک جلسه  
وارو شده و کفعمی در صبح آورده هر که اراده حج  
نماید پس جامه نو بپوشد و قدح آب بگیرد و سی و پنج مرتبه  
بر آن بگوید بخواند پنج بار باشد و الحمد لله چهار رکعت نماز بگزارد  
بدو سلام بر سوره که خواهد پس سوال کند حج را که روزی

او میشود و بخواند برای طلب حج این دعا را اللهم یا حج و  
 یا حجاج یا حجاجین یا حجاجی و در فصل سیم از باب ششم در اعمال  
 هر شب ماه رمضان گذشته و نین بخواند برای طلب حج  
 مناجات هفتم را که ذکرش انشاء الله خواهد آمد و خواندن  
 سوره حج در هر سه روز یک مرتبه و مداومت بر سوره عم از برای  
 حج و روزه است اما حج پس بر سه قسم است حج تمتع  
 و حج قرآن و حج افراد و حج تمتع واجب میشود بر آن کس  
 که منزه است بعبادت که معظمتش از زوجه فرسخ شرعی یا زیادتر  
 بوده باشد و در حج پنج شرط واجب است اول بلوغ و  
 کمال عقل پس بر طفل و مجنون حج واجب نیست دوم  
 حریت پس بر بنده با وجود اذن مولی واجب نیست سوم  
 زاد و راحله و این هر دو برای کسی ضروری است که احتیاج این  
 هر دو داشته باشد و الا ضروریست و مراد از زاد این قدر  
 است که بقدر اکل و شرب ذلما با و ایابا نزد خود داشته باشد  
 و همین طریق است راحله یعنی بقدر کفایت در ایاب و  
 ذلما ب و خرید کردن این هر دو بر این واجب است اگر چه  
 بقیمت بسیار گران بدست آیند چهارم آنکه نفقه بحیال

واجب المنفقہ برای ایشان مہیا کند بخوسے کہ تا وقت مراجعت  
 کفایت ایشان کند پنجم طاقت رفتار و این شامل است  
 برائے صحت بدن و برائے محفوظ ماندن راہ از وزدان  
 و غیرہ پس اگر کسی مریض باشد و رکوب آن بر را حاصل  
 باعث ضرر باشد حج براو واجب نیست اگرچہ شرائط دیگر  
 مستحقق شوند یا اینکه رفیقی یا ہمسایے کہ بدون آن سفر  
 ممکن نباشد یافت نشود درین صورت ہم واجب نیست و واجب  
 است وسعت وقت یعنی رسیدن مکہ معظمہ و سجا آوردن  
 جمیع ارکان حج را ازمانہ وسعت داشته باشد مسئلہ  
 ہر گاہ حج بر کسی بعد وجوب مستقر شدہ باشد و بعد آن  
 بپیر و پس بر ورثہ واجب است کہ از اصل ترکہ اولیاء حج را  
 مثل دیگر دیون لازم الادا کنند بعد از ان وصیت  
 نافذہ و بعد از ان بطریق میراث شرعی ترکہ تقسیم نمایند  
 مسئلہ اگر مال وسعت داشته باشد پس می باید کہ  
 تا ب را از بلد میت اجیر کنند و اگر وسعت نداشتہ باشد  
 پس از مقامات قریبہ کہ مال گنجایش آن وارد اجیر کنند  
 مسئلہ در وجوب حج زنان یافت شدن محرم شرط نیست

آری این قدر ضروریست که درین سفر ظن غالب بر حفظ  
 و سلامتی آبرو و عصمت داشته باشد و حج مستحب بدون آن  
 شوهر صحیح نیست بپدا آنکه صورت حج تمتع اینست که احرام  
 بپندد از میقات بقصد عمره تمتع بعد از آن بکلمه معظّمه داخل  
 شود و هفت مرتبه طواف خانه کعبه بکند و دو رکعت نماز  
 بقصد نماز طواف بمقام ابراهیم سجا آورد و بعد از آن سعی  
 کند در میان صفا و مرده هفت مرتبه و طریق سعی اینست  
 که در ابتدای سعی آهسته رود و همچنین در انتها و در وسط  
 تند رود و بعد آن تقصیر کند یعنی قدری از موهای سر خود  
 بتراشد یا ناخن بگیرد اینست افعال عمره تمتع و احرام و  
 طواف و سعی و تقصیر هر چهار رکن اند و بعد از آن احرام  
 بقصد حج تمتع از کلمه معظّمه باید گشت و اگر مشتم و بیحجه که آن  
 روز تروی است احرام بپندد خوبست والا بروز عرفه  
 احرام باید گشت و بعد از آن بمقام عرفات بیاید و از  
 وقت زوال شمس تا غروب آفتاب قیام کند و خوبا و بعد  
 غروب بشعر الحرام برود و تا طلوع شمس در آنجا قیام نماید  
 و بعد از آن بمشی بیاید و حجره عقبه را هفت سنگ زه ری کند

من بعد قربانی کند و بعد از آن تقصیر کند یعنی موهای سر تراشید  
 بطریق معتبر و اگر سوز داشته باشد تیغ و لاک بر سر خود نگیرد و دو  
 همان روز یا فروای آن بکجه باید برای بجا آوردن طواف حج و  
 نمازش و سعی در میان صفا و مروه و در آن طواف نسا کند و دو رکعت نماز بجا آورد  
 بخواند و بعد از آن بمقام منی برگردد و تا سه یا دو روز در آنجا  
 قیام کند و سیزدهم قصد آمدن مکه کند بنا بر تفصیل معتبر و در آن  
 هر سه روز چهار حجرت عقبه بنامه را به جهت هفت شکر زه رسمی کند  
 احرام و توقف عرفات و وقف مشعر طواف حج و سعی کردن در میان صفا  
 و مروه این همه ارکان انداگر یکی از اینها فوت شود حج باطل  
 است بنا بر تفصیل معتبر و حج افراد صورتش اینست که احرام بنهد  
 از سیقات بشرطیکه سیقات از مکه معظمه نزدیک باشد و الا از  
 خانه خود احرام بستن بیرون آید و بعد از آن عرفات رود و بعد از غروب  
 از آنجا بمشعر باید و بعد از طلوع شمس از مشعر منی رود و آنجا مناسک منی بجا آورد بعد  
 از آن بکجه یا طواف کند خانه کعبه را و دو رکعت نماز بجا آورد و سعی کند در میان صفا و مروه  
 بعد از طواف نسا کند و دو رکعت نماز کند به نیت نماز طواف  
 نسا و بعد از آن محل شود و پس از آن عمره سفره را بجا آورد  
 حسب تفصیل معتبر و بعد از آن محل خواهد شد یعنی آنچه که سبب

احرام حج حرام شده بود و حلال خواهد شد و افعال حج قرآن  
 مثل افعال حج افراد اند مگر اینکه بر قارن واجب است  
 که بدی با همراه خود برد در موضع احرام و بعد از آن نیز همراه  
 خود دارد تا اینکه قربانی کند حسب تفصیل مندرج کتب فقیه  
 در بیان مواعیت آنها مواعیت جمع میقات است و میقات  
 مصدری است و آن جا میست که حاجیان در آنجا احرام  
 می بندند برای حج و میقات شش مقام اند اول عقیق  
 و آن برای اهل عراق است دوم مسجد شجره و عند الضروت  
 حجه و این برای اهل مدینه است و اما حجه خاص براس  
 اهل شام است و برای اهل یمن یلم است و براس  
 اهل طائف قرن المنازل و خانه کسیکه از میقات نزدیک تر  
 بجا باشد پس خانه او میقات او است و کسیکه بکج برود  
 و بر میقاتی بگذرد که آن میقات برای این کس نباشد پس  
 برین لازم است که از همین میقات احرام ببندد و کسیکه چنین  
 راه برود که میقات مقدره در راه بنشیند پس از میقات  
 اول احرام باید بست مثلاً کسیکه از مدینه می آید پس حلیفه  
 و حجه در راه می نشیند پس با وجود اختیار از حلیفه بندد و در

حال اضطرار از حجه و هر چه میسر باشد بنزد او اگر کسی حج  
 کند از چنین راهی که هیچ میقاتی در راه نیفتد باید که در وطن  
 خود محاذات و مقابله بقریب ترین مواقیف بکند یعنی در میان  
 آن میقات و مکة میقاتی دیگر نبوده باشد و سبب بار از رخ بر سر  
 نماید و احرام بستن قبل از میقات جائز نیست مگر بسبب  
 ضرورت و اگر کسی احرام قبل از میقات بسته باشد صحیح نیست  
 تا وقتیکه میقات نرسد آنجا احرام نه بندد و اگر احرام بعد از میقات  
 بست بسبب مانع و آن مانع دور شود پس میاید که بر میقات برگردد و احرام  
 پندرد اگر احرام اگر فراموش کرد تا اینکه میقات رسد بجای او رطوبه یا دانه میفتد  
 حج را عاده کند و نزد بعضی همین حج کافیهست و قول اول  
 احوط است و مستحب است در حج تمتع از اول روز ماه ذیحجه  
 بلکه از اول ذی القعدة موی سر را قصر کند و موی زانو  
 و موی بغل تراشد یا نوره بکشد و باید که اول غسل نیت  
 احرام کند و وقت بستن احرام نیت احرام چنین کند که احرام  
 عمره تمتع می بندم غیره الی الله و این دعا بخواند **لَبَّيْكَ  
 اللَّهُمَّ كَبَّيْكَ كَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ  
 الْحَمْدُ وَالْيُحْمَةُ لَكَ وَالْمُلْكُ لَكَ لَا شَرِيكَ**

لنگ و در احرام دو پارچه می باید بلکه واجب است که آن  
 هر دو را قبل از نیت احرام بپوشد که یکی لنگ باشد و دیگری  
 چادر و آن پارچه با جائز الصلوة باشد و جائز است محرم  
 راز اندازد و پارچه استعمال کردن و نیز جائز است که آن  
 پارچه را تبدیل کند و اگر نزد کسی پارچه های دیگر براسه  
 احرام نباشد و همراه او قبا باشد پس حیابست که آن قبا را  
 معکوس بپوشد یعنی دامن قبا را بر دوش و باقی را پایین کند و با وجود این  
 ظاهرش را با طش گرداند و می باید که این پارچه با دوخته  
 نباشد بد آنکه بر محرم چند چیز حرام است اول شکار جانور  
 صحرائی که خود کند یا دیگری را اغوا کند یا اشاره کند یا شکار  
 را گرفتار کند از دام یا تیر یا از تفنگ و غیره و همچنین خوردن  
 آن اگر چه محل شکار کرده باشد حرام است و ذبح کردن  
 ماکول اللحم اگر وحشی باشد مانند آهو و بقرا وحش هم حرام است  
 و اگر ذبح کند اینها را سقیمه اند برای محرم و غیر محرم و همچنین  
 بچه و تخم اینها حرام است و لکن جائز است او را ذبح حیوان  
 ماکول اللحم که انسیه باشد یعنی شتر و بقرا ابله و گوسفند ابله  
 و همچنین مکیان المپیه و مانندش و جانوران غیر ماکول



اللحم را هم قتل کردن حرام است و آنها اینست زوباره و  
 خرگوش و سوسمار و پشت خار و زنبور و عظایه که جانور است  
 مثل چلیپا سه و پر پوچ و سبیش الا آنکه موذی باشد مثل  
 گرگ و پلنگ که قتل آنها جایز است مثل جواز قتل حسیه  
 و عقرب و فاره علی الاقرب و شکار جانوران دریایی حرام  
 نیست و مراد از حیوانات دریایی آنست که آن جانور با  
 در آب بچید و تخم کند و دم جماع و بوسه گرفتن و نظر کردن  
 بشهوت و نکاح کردن خود یا عقد دیگر خواندن و گواهی عقد  
 دادن یا در نکاح گواه شدن و منی از دست و غیره بر آوردن  
 تیمم خوشبو کردن و بوسیدن سوای مخلوق و مخلوق خوشبو نیست  
 که برخانه کعبه بپالند و اگر حاجت یا ضرورت افتد برای  
 مس کردن چیزی خوشبودار یا طعامیکه خوشبودار باشد  
 پس و مانع را نهد کرده این اشیا را استعمال نماید و بعضی  
 خوشبودار منحصرا کرده اند در شک و عنبر و زعفران و در سن  
 و این تخصیص ضعیف است چهارم لباس و دختر برائے  
 مردان مگر برای زنان جایز است در همه وقت پنجم سرمه  
 سیاه کشیدن یا سرمه که در آن خوشبو باشد درین حکم مرد و زن

درین باب  
 خوشبودار ۱۲